

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

## کتاب زید بن وهب جهنی، از کهن‌ترین مصادر نهج البلاغه

مهدی مردانی\*

کارشناس ارشد دانشکده علوم حدیث قم

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۵ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۱/۲۶)

### چکیده

زید بن وهب جهنی (۸۴ هـ) یکی از اصحاب امام علی (ع) و از نخستین گردآورندگان خطب حضرت بود که اثری با عنوان «خطب امیرالمؤمنین علی المنابر فی الجَمع و الأعیاد و غیرها» تألیف کرد. این کتاب که از کهن‌ترین مصادر نهج البلاغه نیز به شمار می‌رود، تا زمان شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) وجود داشت و مورد استفاده نویسندگان اسلامی قرار می‌گرفت، لکن پس از قرن پنجم هجری همچون بسیاری از میراث مکتوب اسلامی دستخوش حوادث قرار گرفت و از بین رفت. از این‌رو، بازشناسی این اثر کهن که از نخستین موارث حدیثی شیعه به حساب می‌آید، از موضوعات در خور توجهی است که این تحقیق عهده‌دار آن است. بررسی ابعاد شخصیتی زید بن وهب و نیز تحلیل کتابشناختی کتاب وی از موضوعاتی است که در این مقاله به بحث گذاشته شده است.

**کلید واژه‌ها** زید بن وهب، کتاب زید، خطب امیر المومنین (ع)، مصادر نهج البلاغه.

### مقدمه

ابو سلیمان، زید بن وهب جهنی کوفی (۸۴ هـ) یکی از اصحاب امام علی (ع) و از راویان معتمدی بود که در نبردهای جمل، صفین و نهروان حضور داشت و به گزارش اخبار آنها می‌پرداخت. او از نخستین نگارندگان سخنان امام علی (ع) است که کتابی با نام «خطب امیر المومنین علی المنابر فی الجَمع و الأعیاد و غیرها» تألیف کرد. این کتاب که به جهت دربرداشتن برخی از خطب نهج البلاغه، از کهن‌ترین مصادر نهج البلاغه محسوب می‌گردد، تا قرن پنجم هجری در اختیار دانشورانی چون شیخ طوسی (۴۶۰ هـ)

قرار داشت و او در فهرست خویش از آن یاد کرده و طریق خود به آن را آورده است. (طوسی، فهرست، ۷۲) لکن پس از وی نشانی از آن باقی نماند و همچون بسیاری از میراث اسلامی مفقود گردید؛ با این همه، بخش‌هایی از آن در لابه‌لای آثار موجود جای گرفته و باقی مانده است.

کتاب زید بن وهب به عنوان یکی از موارث حدیثی شیعه از جهات گوناگون تاریخی، حدیثی و کتابشناختی حائز اهمیت است. این کتاب که با محتوا و درون مایه حوادث ایام خلافت امام علی (ع) به نگارش در آمده است، از نخستین آثاری است که در باب خطب امام علی (ع) تدوین گردیده است. گزارش مستقیم و بی‌واسطه وقایع صدر اسلام، تدوین در دوره ممنوعیت نگارش حدیث و نیز تقویت استناد و اعتبار نهج‌البلاغه از جمله ویژگی‌های کتاب زید است.

شایان ذکر است که درباره زید بن وهب و کتاب وی تا کنون اثری به انجام نرسیده است؛ تنها آقای سیدحسین مدرس طباطبایی در کتاب میراث مکتوب شیعه با ارجاع بعضی روایات زید بن وهب به منابع گوناگون، گزارشی از احادیث وی به دست داده است. (مدرسی طباطبایی، ص ۱۱۶-۱۱۹) از این رو، پژوهش حاضر در دو بخش سامان یافته است؛ نخست ابعاد شخصیتی زید بن وهب جهانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و سپس به بررسی و تحلیل کتابشناختی کتاب زید پرداخته شده است.

## ۱- شخصیت زید بن وهب

شخصیت زید بن وهب از جهات متعددی قابل بررسی است از جمله:

### ۱-۱- فردی

ابوسلیمان، زید بن وهب جهنی یکی از راویان تیره حسل بن نصر، از قبیله جهینه و از طائفه قُضاعه بود (نک: ابن سعد، ۱۰۲/۶؛ سمعی، ۴۳۹/۳) که در کوفه سکونت داشت. (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۴۴۱/۸). زید در زمان حیات پیامبر (ص) اسلام آورد اما موفق به دیدار ایشان نگردید، زیرا قبل از رسیدن به مدینه، خبر رحلت پیامبر (ص) را دریافت کرد. (نک: ابن ابی‌خثیمه، ۱۷۴/۳) از این رو، زید را به جهت آن که اسلام و جاهلیت را درک کرده است «مُخَصَّرَم» خوانده‌اند. (ذهبی، تذکرة الحفاظ، ۵۳/۱)

زید فردی ظاهر الصلاح و متعبد بود، چنان که در حَضَر به عبادت و در سفر به جهاد یا حج و عمره اشتغال داشت. (نک: ابونعیم اصبهانی، ۱۷۱/۴) او در بذل و بخشش نیز

کوشا بود، به طوری که هرگاه سهمش را از غنائم یا بیت‌المال می‌گرفت، به بزرگان قبیله ربیعہ پیراهن و به کودکان آنها درهم هدیه می‌کرد. (ابن‌منقذ، ۱/۱۰۵) او همچنین در منش و سیره شخصی‌اش به چند خصلت معروف بود: محاسنش را به رنگ زرد خضاب می‌کرد، (نک: ابن‌سعد، ۱۰۲/۶) در حال امامت نماز پیوسته به نوع پوشش احرام لباس می‌پوشید، به وقت نماز میت همواره چهار تکبیر می‌گفت و همیشه هنگام سلام کردن با عبارت «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ مَغْفِرَاتُهُ وَ طَیِّبُ صَلَوَاتِهِ» سلام می‌داد. (ابن‌سعد، پیشین)

## ۱-۲- اجتماعی - سیاسی

روود زید به مدینه همزمان با خلافت ابوبکر بود و او همانند اکثر مردم با خلیفه اول بیعت کرد. (نک: خطیب بغدادی، المتفق و المفتروق، ۳/۱۸۷۰) لکن زید در دوران خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ه) حضور چشم‌گیری نداشت و به غیر از یک روایت - که از مکالمه خلیفه اول با یک زن ناشناس حکایت می‌کند (نک: فاکهی، ۴/۲۵۳) - گزارش دیگری در این دوره از او به دست نیامده است. اما در دوران خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۴ه) حضور زید پُررنگ‌تر است؛ به طوری که روایات بیشتری از حالات و سیره خلیفه دوم نقل کرده (نک: بلاذری، ۱۰/۳۱۴؛ ابن‌ابی‌خیثمه، ۳/۱۷۸) و در فتح آذربایجان نیز شرکت داشته است. (نک: ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۵/۱۱۰) با آغاز خلافت عثمان (۲۴-۳۵ه) رابطه زید با دستگاه خلافت تقریباً قطع گردید و از او تنها درباره حوادث پایانی خلافت عثمان روایاتی نقل شده است. (نک: ابن‌عساکر، ۳۹/۴۷۸) البته این تعداد روایت نیز نشانگر آن است که وی در این دوره از حوادث سیاسی وقت بی‌اطلاع نبوده و نسبت به رخدادهای جامعه اسلامی حسّاس بوده است.

زید بن وهب در دوران خلافت امام علی(ع) (۳۵-۴۰ه) مشارکت فعالی داشت؛ او از روزهای آغازین جنگ جمل که به سپاهیان امام علی(ع) پیوست (نک: ابن‌ابی‌شیبہ، ۷/۵۴۶) تا روزهای پس از جنگ نهروان که امام علی(ع) را همراهی می‌کرد، (نک: ابواسحاق ثقفی، ۱/۳۳) همواره یکی از اعضای فعال اردوگاه امام علی(ع) به شمار می‌رفت و به عنوان شاهد عینی، رخدادهای آن نبردها را گزارش می‌کرد. (طبری، ۳/۸۳ و ۸۴) پس از امام علی(ع) حضور مؤثری از زید دیده نشده است و به غیر از یک روایت که از شرکت زید در مجلس معاویه خبر می‌دهد (نک: ابن‌بطریق، ۴۷۲) آگاهی دیگری از او به دست داده نشده است.

### ۱-۳- علمی

#### ۱-۳-۱- گزارش‌های رجالی

##### الف) ویژگیها در کتب رجالی اهل سنت

زید بن وهب یکی از بزرگان تابعین بود (نک: عسقلانی، *فتح‌الباری*، ۲۷۴/۳) که در توثیق و جلالت مورد اتفاق نظر رجالیون اهل سنت قرار دارد. (نک: عسقلانی، *الإصابه*، ۵۳۴/۲) او از جمله راویانی است که در صحاح سته از وی حدیث نقل شده (نک: بخاری، ۵۰۹/۲؛ قشیری، ۷۴۶/۲؛ ابوداود، ۶۵۸/۲؛ نسایی، ۱۶۳/۵؛ ترمذی، ۴۸۲/۴؛ ابن‌ماجه، ۱۱۱۲/۲) و حتی برخی روایات او جزء اصول روایی اهل سنت شمرده شده است. (ابویعلی الخلیلی، ۵۳۸/۲) با این همه بعضی از رجالیون اهل سنت به دلیل ناسازگاری محتوای برخی روایات زید با مبانی اهل سنت، بر وی خرده گرفته و شماری از احادیث او را ضعیف دانسته‌اند. (نک: فسوی، ۷۶۵-۷۶۹/۲) لکن برخی دیگر از رجال اهل سنت این انتقاد را وارد ندانسته و از زید دفاع کرده‌اند. (نک: عسقلانی، *فتح‌الباری*، ۴۰۴/۱) از این‌رو، از منظر رجالیون اهل سنت زید بن وهب فردی موثق و مورد اعتماد است و روایات وی مورد قبول اکثر اندیشمندان اهل سنت قرار دارد.

##### ب) ویژگیها در کتب رجالی شیعی

در منابع متقدم رجال شیعه، به غیر از یاد کردی که از مصاحبت زید بن وهب با امام علی(ع) صورت گرفته است، توثیق و یا مدح روشنی درباره زید وارد نشده است (نک: برقی، ۶؛ طوسی، *الرجال*، ۶۴). کشی (حدود ۳۵۰ هـ)، ابن‌ندیم (۴۳۸ هـ)، ابن‌غضائری (قبل ۴۵۰ هـ) و نجاشی (۴۵۰ هـ) نیز ذکری از زید بن وهب به میان نیاورده‌اند. تنها شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) در *فهرست*، کتاب زید را معرفی و طریق خود به آن را ذکر کرده است. (نک: طوسی، ۷۲)

در منابع متأخر رجال شیعه نیز به جز تعبیری که در کتب متقدم رجالی گذشت، وصف دیگری وارد نشده است. (نک: علامه حلی، ۱۹۴؛ ابن‌داود، ۱۶۴) لکن اگر صحت تعبیر ابن‌داود درباره زید را بپذیریم:<sup>۱</sup> «زید بن وهب الجهنی من خواصّ أمير المؤمنين

۱. ابن‌داود اطلاعات رجالی خود را از کتب رجالیون متقدم همچون برقی، کشی، نجاشی، طوسی و ابن‌غضائری نقل کرده است (نک: ابن‌داود، ۲) از این‌رو می‌بایست این تعبیر از یکی از آثار نام برده - احتمالاً رجال برقی - اخذ شده باشد در حالی که چنین نیست و هیچ یک از منابع متقدم رجال شیعه چنین عبارتی را درباره زید بن وهب به کار نبرده‌اند.

علیه السلام» (همو، ۱۶۴) می‌توان آن را نشانه مدح دانست. البته در برخی از جوامع رجالی شیعه (نک: مامقانی، ۳۰۹/۲۹؛ نمازی، ۴۸۹/۳؛ خویی، ۳۷۳/۸) - علاوه بر دیدگاه رجالیون متقدم - به روایات زید در منابع شیعی و نیز دیدگاه برخی رجالیون اهل سنت استناد شده است و از این طریق به شناساندن شخصیت رجالی او پرداخته‌اند. چنان که شیخ عبد الله مامقانی (۱۳۵۱ هـ) با استشهاد به مصاحبت زید با امام علی(ع) و نیز تألیف خطب امام علی(ع) او را ممدوح دانسته است (مامقانی، همانجا) و شیخ علی نمازی (۱۴۰۵ هـ) نیز با استناد به روایات زید از امام علی و امام حسن(ع) به حُسن و کمال زید حکم کرده است (نمازی، همانجا). همچنین سید محسن امین (۱۲۸۴ هـ) با استفاده از روایت زید از امام حسن(ع) او را از شیعیان خالص امام علی(ع) دانسته است. (امین، ۱۳۰/۷) لکن از آن‌جا که اکثر رجالیون شیعه - به ویژه متقدمین آنها - به توثیق زید نپرداخته و تنها به معرفی اجمالی وی بسنده کرده‌اند، چنین بر می‌آید که وثاقت زید بن وهب نزد آنان مُحرز نبوده است. با این همه او را به عنوان یکی از رجال معتمدی که صاحب میراث شیعی بوده است قبول داشته‌اند.

### ۱-۳-۲- اساتید و شاگردان زید

زید بن وهب جهنی از راویان طبقه نخست تابعین بود که هم در مرحله اخذ حدیث و هم در مرحله القاء، از اساتید و شاگردان بسیاری برخوردار بود. وی به دلیل آن که در عصر صحابه می‌زیست از مشایخی حدیث نقل کرده است که همگی از اصحاب پیامبر(ص) بودند؛ افرادی چون: امام علی(ع)، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، عبد الله بن مسعود، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، عمار یاسر، ابو موسی اشعری و... (نک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۴۴۱/۸؛ مزی، ۱۱۱/۱۰) در این میان، پس از امام علی(ع) عبد الله بن مسعود بیشترین سهم را در میراث حدیثی زید داشته است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر اشخاصی چون: عبدالملک بن میسره، حبیب بن ابی ثابت، حکم بن عتبه، منصور بن المعتمر، سلیمان الأعمش، إسماعیل بن أبی‌خالد و... از شاگردان زید بوده و از وی حدیث شنیده‌اند (نک: خطیب بغدادی، پیشین؛ مزی، پیشین) که در این بین اعمش بیش از دیگران با زید ارتباط داشته و از وی بهره برده است، (فسوی، ۷۷۱/۲؛ ابی‌خیشمه، ۱۷۵/۳)

۱. شایان ذکر است این نکته با توجه به مطالعه اکثر روایات زید به دست آمده و در منبع مشخصی بدان تصریح نشده است.

### ۱-۳-۳- آثار علمی

زید بن وهب جهنی یکی از راویان پرکاری بود (نک: ابن سعد، ۱۰۲/۶) که در طول حیات خود احادیث بسیاری از صحابه پیامبر(ص) شنید و به راویان فراوانی انتقال داد. با این همه، در کنار مجموعه عظیم روایاتی که از او نقل شده است، تنها یک اثر حدیثی مکتوب از وی به ثبت رسیده است که در آن به گزارش خطبه‌های امام علی(ع) پرداخته است. (نک: طوسی، فهرست، ۷۲) از این رو باید تأکید ورزید که کتاب زید بن وهب غیر از روایات منفردی است که از او در موضوعات مختلف نقل شده است و باید این دو بخش را از یکدیگر تفکیک نمود.

### ۱-۴- موضوع‌شناسی روایات زید

میراث حدیثی زید بن وهب دارای موضوعات متنوعی است که به جهت تعلق آن به قرن نخست هجری و نزدیکی به عصر صحابه از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است. یکی از موضوعاتی که بخش عمده‌ای از روایات زید را به خود اختصاص داده است، اخلاق و سنن است. او در این موضوع احادیث فراوانی از صحابه پیامبر(ص) نقل کرده و حتی از دو صحابی بزرگ، سلمان و ابوذر نیز حدیث شنیده است. به عنوان نمونه او درباره کراهت پُرخوری حدیثی از سلمان فارسی نقل کرده است (نک: حاکم نیشابوری، ۶۹۹/۳) و درباره لزوم ادای دین از ابوذر حدیث شنیده است. (بخاری، ۲۳۱۲/۵)

تاریخ و سیره یکی دیگر از موضوعاتی است که در روایات زید بسامد فراوان دارد. چنان که روایاتی که از تاریخ سیاسی حیات امام علی(ع) سخن می‌گویند (نک: ابن ابی‌شیبه، ۵۴۶/۷؛ طبری، ۸۳/۳ و ۸۹ و ۹۵) و یا احادیثی که از سیره خلفا و صحابه حکایت می‌کند (نک: حاکم نیشابوری، ۳۶۰/۳ و ۵۷۹/۴) از جمله این گروه از روایات است. همچنین از دیگر موضوعاتی که در روایت زید انعکاس یافته است، ملاحم و فتن است. این گروه از روایات که بیشتر از طریق «حذیفه بن یمان» نقل شده است، شامل درون مایه‌هایی چون حوادث پس از پیامبر(ص)، انواع ابتلائات و ویژگی‌های فتنه است که در شماری از مصادر فریقین گزارش شده است. (نک: بزار، ۲۳۷/۷)

### ۱-۴-۱- اعتقادی

زید بن وهب جهنی به عنوان یکی از نخستین میراث‌نگاران حدیث شیعه جایگاه

مهمی در میان شیعیان داشته است. وی با آن که از خلفای پس از پیامبر(ص) نیز روایت نقل کرده است، اما تنها خطب امام علی(ع) را به نگارش در آورده است. علاوه بر آن که حضور مستمر وی در نبردهای سه‌گانه جمل، صفین و نهروان و همراهی‌اش با امام علی(ع) در ایام سخت جنگ، نمونه روشنی است که تاریخ نگاران اهل سنت نیز بدان اذعان داشته‌اند. (نک: ابن سائب، ۷۲۷/۲)

زید بن وهب به اهل بیت پیامبر(ع) نیز ارادتی خاص داشت، چنان که گفتگوی مفصل و در خور تأمل وی با امام حسن(ع) نشانگر رابطه نزدیک وی با دومین پیشوای شیعیان است. (نک: طبرسی، ۲/۲۹۰) با این همه، قرآینی وجود دارد که نشان می‌دهد زید بن وهب به امام علی(ع) به عنوان حاکم و خلیفه مسلمین می‌نگریسته است و او بیش از آن که شیعه‌ای معتقد باشد، شیعه‌ای سیاسی بود<sup>۱</sup> که در مواقع حساس امام علی(ع) را یاری می‌کرد.

#### ۱-۵- وفات زید بن وهب

درباره تاریخ وفات زید بن وهب اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی از مورخان سال ۹۶ هـ را سال وفات زید دانسته‌اند (نک: مزی، ۱۱۳/۱۰) و برخی بدون ذکر تاریخی خاص، وفات زید را در ایام ولایت حجاج بن یوسف ثقفی و بعد از واقعه جمجم دانسته‌اند. (نک: ابن سعد، ۱۰۲/۶) لکن با توجه به قراین موجود باید گفت که تاریخ صحیح وفات زید سال ۸۴ هجری است؛ زیرا واقعه جمجم<sup>۲</sup> در سال ۸۳ هـ اتفاق افتاده و حجاج بن یوسف نیز به سال ۹۵ هـ به هلاکت رسیده است، از این‌رو، وفات زید بن وهب می‌باید بعد از سال ۸۳ هـ و قبل از سال ۹۵ هـ باشد که در این صورت سال ۸۴ هـ به صواب نزدیک‌تر است. چنان‌که صفدی (۷۴۶ هـ) (نک: صفدی، ۲۶/۱۵) به این تاریخ تصریح

۱. برخی از محققان مفهوم تشیع را به دو بخش اعتقادی و سیاسی تقسیم کرده‌اند و به تبیین جداگانه آنها پرداخته‌اند. در نظر اینان شیعه اعتقادی کسی است که اولاً در بُعد کلامی به خلافت بلا فصل امام علی(ع) اعتقاد داشته باشد و ثانیاً در بُعد فقهی مشروعیت انحصاری مرجعیت علمی امام علی(ع) و اهل‌بیت(ع) را بپذیرد، نه آن که آنان را مانند صحابه و تابعین تنها دارای حقّ افتا بداند. اما شیعه سیاسی آن است که شخص بدون اعتقاد به مبانی فکری شیعه، در جهت‌گیری‌های سیاسی از رهبری اهل‌بیت(ع) در مبارزه با ظلم و بیداد حمایت کند. (نک: جعفریان، ۱۸-۲۸).

۲. «جمجم» نام منطقه‌ای در هفت فرسخی کوفه به سمت بصره است که در آن بین حجاج بن یوسف و محمد بن اشعث درگیری رخ داده و پسر اشعث کشته شد. (نک: بلاذری، ۷/۳۳۵؛ طبری، ۳/۶۳۹).



کرده است و ذهبی (۷۴۸ هـ) نیز در سال‌شمار حوادث سال ۸۴ هـ به وفات زید بن وهب اشاره داشته‌است. (ذهبی، تاریخ الإسلام، ۲۰/۶)

## ۲- کتاب زید بن وهب

زیبایی و شیوایی کم نظیر کلام، عمق و ژرفای محتوا و پیام و شخصیت والا و تأثیرگذار امام علی(ع) سه عاملی بود که موجب گردید از همان اوان، همگان به سخنان امام بیان علی(ع) توجه نشان دهند. در این میان برخی از اصحاب امام علی(ع) که قدر و قیمت آن کلمات را می دانستند به ثبت و ضبط سخنان ایشان همت گماردند که زید بن وهب جهنی یکی از آنهاست. او علاوه بر گردآوری سخنان امام علی(ع)، به تدوین بخشی از خطب ایشان نیز همت گمارد و نخستین نگاشته را در باب خطب حضرت فراهم آورد. (شعرانی، ۳؛ سبحانی، ۳۶۰/۱)

این کتاب که «خُطَبُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ الْمُنَابِرِ فِي الْجَمْعِ وَالْأَعْيَادِ وَغَيْرِهَا» نام دارد، در اختیار برخی از اندیشمندان اسلامی از جمله سیدرضی (۴۰۶ هـ) نیز قرار داشت (نک: شعرانی، پیشین) و آنان در تألیفات خود از آن بهره می‌بردند. لکن پس از سال ۴۶۰ هجری، سرگذشت دیگری برای کتاب رغم خورد و تاریخ، این میراث کهن را از آیندگان دریغ کرد.

## ۲-۱- اثبات وجود کتاب

کهن‌ترین و معتبرترین منبعی که از وجود کتاب زید بن وهب خبر داده است، فهرست شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) است که در ذیل نام زید بن وهب جهنی به معرفی کتاب و ذکر طریق خود به آن پرداخته است: «زید بن وهب، له کتاب خُطَبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ عَلِيِّ الْمُنَابِرِ فِي الْجَمْعِ وَالْأَعْيَادِ وَغَيْرِهَا، أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَوْسُفَ بْنِ زِيَادِ الضَّبِّيِّ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مَزَاحِمِ الْمَنْقَرِيِّ، عَنْ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ، عَنْ عَطِيَّةِ بْنِ الْحَارِثِ وَ عَنْ عَمْرِ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ أَبِي مَخْنَفٍ لُوطِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي مَنْصُورِ الْجَهْنِيِّ، عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: خُطِبَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ وَ ذَكَرَ الْكِتَابَ.» (طوسی، ۷۲)

پس از شیخ طوسی، ابن شهر آشوب مازندانی (۵۸۸ هـ) (نک: ابن شهر آشوب، ۵۱) و کنتوری (۱۲۴۰ هـ) (نک: کنتوری، ۲۰۶) نیز از کتاب زید بن وهب یاد کرده‌اند، لکن در

دیگر کتب فهرست، رجال، تراجم، ثبت و میراث پژوهی نامی از زید بن وهب و کتاب وی به میان نیامده است. با این همه، شخصیت علمی شیخ طوسی و نیز جایگاه بلند وی در میان دانشوران شیعه به تنهایی کافی است تا با استناد به کتاب فهرست او وجود کتاب زید اثبات گردد و از وجود چنین اثری در میراث حدیثی شیعه اطمینان حاصل شود.

## ۲-۲- اهمیت کتاب

کتاب زید بن وهب از جهات گوناگونی حائز اهمیت است که از سه منظر حدیثی، تاریخی و کتابشناسی قابل بررسی است. اما اهمیت حدیثی کتاب زید بدین خاطر است که این کتاب یکی از نخستین نگاشته‌های حدیثی است که در دوران ممنوعیت کتابت حدیث نوشته شده است.<sup>۱</sup> از این رو، اثبات وجود کتاب زید در آن دوره، نشان دهنده قدمت کهن نگارش‌های حدیثی به ویژه میراث حدیثی شیعه است.

اما اهمیت تاریخی کتاب زید بیشتر مرهون گزارش‌هایی است که از دوران حکومت امام علی(ع) به دست می‌دهد. زید بن وهب از آغاز شکل‌گیری جنگ جمل (نک: ابن ابی‌شیبه، ۵۴۶/۷) تا روزهای واپسین جنگ نهروان (نک: ابواسحاق ثقفی، ۳۳/۱) در کنار امام علی(ع) حاضر بود و همواره حوادث و رخداد‌های آن ایام را گزارش می‌کرد. نقل مستقیم و بی‌واسطه وقایع و نیز حضور عینی و مستمر در صحنه‌های نبرد (خطیب بغدادی، المتفق و المفتقر، ۱۸۷۰/۳) از ویژگی‌های مهمی است که به کتاب زید ارزش بخشیده است.

از نقطه نظر کتابشناسی نیز کتاب زید اهمیت بسیار دارد. زیرا مسأله انتساب نهج‌البلاغه به امام علی(ع) از موضوعاتی است که از سالیان دور مورد تشکیک برخی رجال اهل سنت قرار گرفته است (ابن خلکان، ۳۱۳/۳) و زید بن وهب جهنی به عنوان یکی از نخستین گردآوردندگان خطب امام علی(ع) تأثیر بسیاری در تقویت استناد نهج‌البلاغه و زدودن شبهات پیرامونی آن داشته است. خصوصاً آن که بسیاری از خطب نهج‌البلاغه در متون بر جای مانده از کتاب زید نیز وجود دارد و این، اصالت و وثاقت تاریخی نهج‌البلاغه را به اثبات می‌رساند.

۱. سیاست مخالفت با کتابت حدیث از دوران خلافت ابوبکر (۱۱ ه) آغاز شد و تا زمان خلافت عمر بن عبد‌العزیز (۱۰۰ ه) ادامه داشت. (نک: سیوطی، ۴۱/۱).

## ۲-۳- ساختار کتاب

تعلق کتاب زید به نیمه نخست قرن اول هجری و نیز نبود آگاهی از چینش و نظم روایات آن، موجب گردیده است که اظهار نظر درباره ساختار کتاب و نظام اولیه آن دشوار گردد. لکن با توجه به عنوان کتاب و نیز مجموعه روایاتی که از آن به دست آمده است، می‌توان ساختار احتمالی کتاب زید را ترسیم کرد. از این رو به نظر می‌رسد که ابتدا خطبه‌های روز جمعه امام علی(ع) ذکر گردیده و سپس خطبه‌های حضرت در اعیاد فطر و قربان آورده شده است. آنگاه به ترتیب سالشمار تاریخی، خطب امام علی(ع) در روزهای جنگ جمل، صفین و نهروان گزارش شده است.

سؤالی که در این میان مطرح می‌گردد آن است که آیا در کتاب زید بن وهب به غیر از خطب امام علی(ع) کلام دیگری - مانند نامه و یا اخبار تاریخی - نیز گزارش شده است؟ در نگاه نخست و با توجه به عنوان کتاب - که تنها از خطب امام علی(ع) یاد شده است - چنین به نظر می‌رسد که پاسخ سؤال منفی باشد، لکن با نگاهی دوباره به متون زید بن وهب این احتمال قوت می‌یابد که زید بن وهب علاوه بر خطب امام علی(ع) کلمات دیگر ایشان را نیز نقل کرده است، زیرا اولاً ممکن است که وی همچون بعضی از صاحبان آثار (نک: طوسی، تهذیب/احکام، ۳/۱) پایبند انگیزه اولیه تألیفش نبوده و در حین نگارش کتاب، برخی از کلماتی که با هدف نخستینش ناهمخوان بودند را نیز نقل کرده باشد. ثانیاً، این امکان نیز وجود دارد که او همانند برخی از مؤلفان (نک: ابن طائوس، ۱۶۲) کتاب خود را در گذر زمان تکمیل کرده و بعدها برخی دیگر از کلمات امام علی(ع) را به نسخه اصلی کتابش افزوده است.

## ۲-۴- درون‌مایه کتاب

از آن‌جا که بن‌مایه‌های کتاب زید در ایام خلافت امام علی(ع) و در محدوده زمانی بین جنگ جمل تا نهروان شکل گرفته است، محتوا و درون‌مایه کتاب زید نیز مشتمل بر موضوعاتی است که در آن ایام مطرح بوده است. سخنان رزم‌آورانه و حماسی، مواعظ اخلاقی و تربیتی و نیز احتجاج با مخالفان داخلی و خارجی از جمله موضوعاتی است که در کتاب زید بن وهب انعکاس یافته است.

امام علی(ع) به گاه نبرد و مبارزه، به تحریض و تهییج سپاهیان خود می‌پرداخت و با خطبه‌های غراء و حماسی، آنان را به مقاومت و پایداری در برابر دشمن دعوت می‌کرد؛

چنان که به گزارش زید بن وهب، وقتی سربازان امام علی(ع) در جنگ صفین به سپاهیان شامی یورش بردند و آنان را به عقب راندند، حضرت به جانب ایشان رفته و با ایراد خطبه‌ای حماسی از آنان قدر دانی کرد. (نک: منقری، ۲۵۶؛ سید رضی، خ ۱۰۷) مواظ اخلاقی و مباحث تربیتی نیز از موضوعاتی است که در غالب خطب امام علی(ع) مطرح گردیده است. اهتمام امام علی(ع) به تربیت اخلاقی و هدایت معنوی انسانها چنان بود که حتی در میدان نبرد و در برابر سپاهیان دشمن نیز به مناجات با خداوند متعال می‌پرداخت (نک: طبری، ۸۴/۳؛ سید رضی، خ ۱۷۱) و از این طریق قلوب غفلت زده آنان را متوجه خداوند می‌ساخت.

احتجاج با مخالفان و مجادله با معاندان از دیگر موضوعاتی است که در خطب امام علی(ع) مطرح گردیده است. در مثل، پیش از آن که جنگ نهروان آغاز گردد، امام علی(ع) نزد خوارج رفته و در حالی که در مقابل آنان ایستاده بود، به انذار و اتمام حجت با آنان پرداخت. (نک: طبری، ۱۲۰/۳) پاسخ به سؤالات کلامی و اعتقادی شیعیان (نک: صدوق، الخصال، ۴۰۰/۲؛ همو، التوحید، ۲۷۸) و نیز بیان معارف و حقایق توحیدی (نک: طوسی، مصباح‌المتجهد، ۳۸۰؛ سید رضی، خ ۹۹) از دیگر موضوعاتی است که در گزارش‌های زید بن وهب از خطب امام علی(ع) مطرح شده است.

## ۲-۵- مفهوم‌شناسی عنوان کتاب

کتاب زید بن وهب از معدود منابع مفقودی است که دارای عنوانی مشخص است. این ویژگی در بازایی و شناسایی روایات زید و نیز بازسازی و سامان بخشی متون به دست آمده از آن کتاب، نقش مؤثری دارد. با این همه، مفهوم‌شناسی و تحلیل معنایی عنوان کتاب یکی از مباحث مهم و کارگشایی است که ما را در دستیابی به دو هدف یاد شده یاری می‌رساند.

### ۲-۵-۱- خطب

اولین واژه عنوان کتاب زید (حُطَبُ أمير المؤمنين علي المنابر في الجمع والأعياد و غیرها) کلمه «خطب» است که نشان دهنده موضوع و محتوای اصلی کتاب است. خطبه یکی از اقسام نثر ادبی است که با هدف اقناع و تأثیرگذاری، برای جمعی از مردم ایراد می‌گردد. (خفاجی، ۶۴؛ ترحینی، ۹) این‌گونه نثر ادبی، دارای ویژگی‌ها و خصوصیات

است که ادیبان و سخن‌شناسان زبان عرب به شماری از آنها اشاره داشته‌اند. (نک: خفاجی، ۲۷۷) لکن آنچه اهمیت دارد، بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی است که موجب تمییز خطبه از دیگر متون ادبی گردد؛ از این رو، با مطالعه و بررسی خطب کهن عرب و نیز تحلیل خطبه‌های برجای مانده از صدر اسلام، نشانه‌ها و ویژگی‌هایی را برمی‌شماریم که غالباً در فن خطابه رعایت می‌شده‌اند. اهم این ویژگیها در حوزه صورت، ساختار و متن عبارتند از:

**۱- وجود مخاطب** - اولین مشخصه خطبه یا خطابه آن است که مخاطب و شنونده داشته باشد و عده‌ای که معمولاً تعدادشان زیاد است، پای سخنان خطیب بنشینند و به او گوش فرادهند. (نک: بستانی، ۱۳؛ خفاجی، ۶۴) در غیر این صورت اگر مخاطبی در برابر خطیب حاضر نباشند، به کلام ایراد شده حدیث یا وصیت اطلاق می‌گردد نه خطبه. (نک: الواعی، ۱۴)

**۲- هیئت خاص** - از آن‌جا که هدف از خطابه، اقناع مخاطب و اثر گذاری فکری و روانی است، (نک: خفاجی، ۶۴؛ ترحینی، ۹) شمائل و هیئت خطیب نیز باید به گونه‌ای باشد که این معنا را القاء کند. از این رو یکی از ویژگی‌هایی که برای فن خطابه بر شمرده‌اند، رعایت آداب و رسومی است که خطبای عرب در جاهلیت و اسلام بدان اهتمام داشتند. از جمله آن‌که: به هنگام سخنرانی بر بالای بلندی و محلی مرتفع قرار می‌گرفتند، ابزاری چون عصا، شمشیر، نیزه و یا کمان به دست گرفته و بر آن تکیه می‌زدند، با صدای رسا و بلند سخن می‌گفتند، عمامه بسته و رداء می‌انداختند و با ظاهری آراسته و زیبا ظاهر می‌گردیدند. (نک: جاحظ، ۵/۳؛ خفاجی، ۲۷۷) این سنت در دوران حکومت امام علی(ع) نیز اجرا می‌گردید و حضرت به هنگام ایراد برخی از خطب، این آداب را رعایت می‌کرد. (نک: سید رضی، خ ۱۸۲)

**۳- طلیعه خطبه** - از ویژگی‌های ساختاری خطبه، اشتغال بر طلیعه و مقدمه‌ای است که در آن به حمد و ثنای الهی و نیز درود بر پیامبر و آتش می‌پرداختند. این ویژگی بعدها توسط امام علی(ع) گسترش یافت و حضرت در خطب خود با تعابیر و اوصافی بلند، از خدا و رسولش یاد می‌کردند. (نک: بستانی، ۲۱۶؛ سید رضی، خ ۱)

**۴- متن خطبه** - پس از مقدمه، متن خطبه مهمترین و اصلی‌ترین بخشی است که خطیب در آن به ایراد افکار و اندیشه‌های خود می‌پردازد و با استفاده از ادله و براهین، در صدد اقناع مخاطب برمی‌آید. البته ایراد خطبه نیازمند انگیزه و سببی خاص بوده

است که این امر می‌توانست موضوعی اجتماعی، سیاسی و یا دینی باشد. (نک: بستانی، ۱۳) به همین خاطر، خطبه را به لحاظ موضوع و محتوای آن به اقسامی چون: دینی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و قضائی نیز تقسیم کرده‌اند. (نک: الواعی، ۴۱)

#### ۵- خاتمه خطبه - خاتمه و پایان خطبه معمولاً محل ذکر نتیجه و جلب عواطف

مردم برای عمل به خواسته‌های خطیب است (نک: ترحینی، ۱۱) که این مسأله با ایراد تعبیر عاطفی و یا دعایی صورت می‌پذیرد. چنان‌که آورده‌اند بعضی از خطبای صدر اسلام، خطبه خود را با جملات دعایی چون «اللهم اجعل خیر زمانی آخره و خیر عملی خواتمه و خیر ایامی یوم لقاؤک» به پایان می‌برد. (نک: شوقی ضیف، ۱۰۷/۲)

#### ۶- به کارگیری صنعت سجع - مقارنت و همنشینی نثر و نظم در زبان عرب،

موجب گردید که فن خطابه از شعر تأثیر پذیرد و در آن کلمات موزون و مسجع به کار برده شود. این اثر پذیری ادبی چنان بود که سخنوران عرب بر به کارگیری کلمات مسجع و موزون اصرار می‌ورزیدند و وجود سجع در کلام را به عنوان یکی از نشانه‌های خطبه می‌شمردند. (نک: بستانی، ۴۳) از این‌رو، خطب امام علی(ع) نیز مملو از عبارات مسجع و موزونی است که بدون تکلف در کنار هم قرار گرفته و موسیقی دلنشینی را به مخاطب منتقل می‌سازد. در مثل، می‌توان از فراز آخر خطبه «غراء» یاد کرد که حضرت با پی آوری کلمات مسجع عبارتی بی‌نظیر را خلق فرمودند. (نک: سید رضی، خ ۸۳)

#### ۷- اقتباس از دیگر متون ادبی - یکی دیگر از ویژگی‌های خطبه در صدر اسلام

آن است که خطبای عرب از متون برجسته و تأثیرگذار استفاده می‌کردند و با تضمین و اقتباس آنها به سخنان خود ارزش و اعتبار بیشتری می‌دادند. آیات قرآن، احادیث نبوی، امثال و اشعار عرب از جمله متونی است که سخنوران از آن بهره می‌بردند و در خطابه‌های خود به آن استناد می‌کردند. (نک: خفاجی، ۲۷۶) این ویژگی در کلمات امام علی(ع) نیز مشاهده می‌گردد و حضرت در بسیاری از خطب خود به وفور به آیات قرآن، احادیث نبوی و ندرتاً به امثال و اشعار عرب استشهاد کرده‌اند. به عنوان نمونه، ایشان در خطبه شقشقیه به سه متن قرآن، شعر و مثل عرب استشهاد کرده و در خطبه ۱۷۶ نهج‌البلاغه به سه حدیث نبوی استناد نمودند. (سید رضی، خ ۳ و ۱۷۶)

#### ۲-۵-۲- امیرالمومنین

کلمه «امیرالمؤمنین» دومین واژه ای است که در عنوان کتاب زید به کار رفته است.

انتخاب این نام در کنار دیگر القاب و اسامی حضرت، نشان دهنده آن است که بن مایه‌های کتاب زید در ایام خلافت و زمامداری امام علی(ع) شکل گرفته است. چنان که روایات بر جای مانده از کتاب زید - که از حوادث جنگ جمل تا روزهای پس از جنگ نهروان خبر می‌دهد (نک: ابن ابی‌خیثمه، ۱۷۸/۳؛ ابواسحاق ثقفی، ۳۳/۱) - مؤید این گمان است.

البته این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر «امیرالمؤمنین» در عنوان و نخستین سطر کتاب زید، (نک: طوسی، فهرست، ۷۲) اشاره‌ای به باور زید بن وهب باشد که لقب «امیرالمؤمنین» را تنها شایسته امام علی(ع) می‌دانسته و تنها یک مصداق برای آن قائل بوده است. چرا که او از خلفای پیشین - چه در ایام خلافت آنان و چه پس از آن - همواره با نام و لقب رسمیشان یاد کرده است و هیچگاه نام «امیرالمؤمنین» را درباره آنان به کار نبرده است. (نک: ابن‌سعد، ۱۰۲/۶)

## ۲-۵-۳- المنابر

گذشت که ایستادن بر بالای بلندی و قرار گرفتن بر مکان‌های مرتفع یکی از سنت‌های عرب به هنگام ایراد خطبه بود که به مرور زمان به نشستن بر بالای منبر انجامید. (نک: خفاجی، ۶۷ و ۲۷۷) از این رو، مصداق منبر در روایات تنها به معنای امروزی آن محدود نگشته و بسته به موقعیت و شرایط ایراد خطبه تفاوت می‌کند. چنان که اگر محلی که خطیب در آن به ایراد خطبه می‌پردازد، مسجد و یا اماکن عمومی شهر باشد، منظور از منبر معنای مصطلح آن است و اگر محلّ ایراد خطبه، اماکن غیر رسمی و جاهایی باشد که امکان بر پای منبر وجود ندارد، مقصود از منبر بلندی‌های زمین، مرکب، جهاز شتران و غیره است (نک: طبری، ۱۲۰/۳ و ۶۹۶/۲) چنان که امام علی(ع) نیز گاهی اوقات بر روی تخته سنگ ایستاده و خطبه می‌خواند. (سید رضی، خ ۱۸۲)

اما از آن‌جا که یکی از اهداف برپایی منبر - به معنای عام آن - اِشْرَاف و تسلّط خطیب بر مستمعان بوده است، (نک: خفاجی، ۲۷۷) اتّخاذ منبر از سوی خطیب در شرایطی صورت می‌گرفت که فضای ایراد خطبه فراخ و جمعیت مردم زیاد بوده باشد، در غیر این صورت، خطیب بر روی زمین می‌نشست و یا می‌ایستاد. (نک: جاحظ، ۶/۳)

چنان که ابن ابی‌الحدید در شرح فضای صدور یکی دیگر از خطب امام علی(ع) بدین نکته تصریح کرده است. (ابن ابی‌الحدید، ۳۰۶/۱) از این رو، به نظر می‌رسد که قید «منبر» در عنوان کتاب زید بدین معناست که روایات کتاب زید از خطبه‌هایی گرد آمده

که امام علی(ع) در مجامع عمومی و پر جمعیت - که نیاز به منبر داشت - ایراد کرده‌اند.

## ۲-۵-۴- الجُمَع و الأعیاد

کلمه «جُمَع» جمع جُمَعه و «أعیاد» جمع عید است و مقصود از این دو واژه در عنوان کتاب آن است که زید بن وهب خطبه‌های امام علی(ع) در روزهای جمعه و اعیاد اسلامی را در کتاب خود نقل کرده است. لکن سؤالی که در این باره مطرح است آن است که آیا کلمه «أعیاد» شامل عید غدیر خم نیز می‌گردد و یا آن که تنها به اعیاد فطر و قربان اختصاص دارد؟ آن چه که روشن است امام علی(ع) در روز عید غدیر خم که با روز جمعه نیز مصادف بود، خطبه ای ایراد فرمود که به «خطبه غدیریّه» نامور شده است. (نک: طوسی، مصباح‌المتجهّد، ۷۵۲) اما در این که زید بن وهب این خطبه را نیز از مصادیق خطب اعیاد امام علی(ع) شمرده، در کتاب خود نقل کرده باشد، جای تأمل دارد. زیرا به دلیل انحرافات که پس از پیامبر اسلام(ص) در مسیر جامعه اسلامی رخ داد، واقعه بزرگ غدیر خم تا سالیانی دراز مورد غفلت واقع شد و به همین خاطر، روز غدیر خم در روزگار مؤلف به عنوان یکی از اعیاد رسمی اسلامی شناخته شده نبود، هر چند نامگذاری این روز به عید در ایام خلافت امام علی(ع) صورت گرفت (مرتضی عاملی، ۱۴۸) و حضرت در خطبه غدیریّه نیز بدان تصریح نمودند. (نک: طوسی، پیشین، ۷۵۴)

## ۲-۵-۵- غیرها

مهم‌ترین نکته‌ای که درباره آخرین واژه عنوان کتاب وجود دارد، مرجع ضمیر «غیرها» است که درباره آن احتمالاتی چند، قابل طرح است. اولین و قوی‌ترین احتمالی که درباره مرجع ضمیر «هاء» وجود دارد، آن است که ضمیر به «الجُمَع» برگردد. در این صورت کلمه «الاعیاد» نیز به خاطر عطف بر «الجمع» استثنا گردیده و معنای عنوان کتاب چنین می‌شود: «خطبه‌های امیرالمؤمنین بر روی منبر در روزهای جمعه و اعیاد فطر و قربان و [نیز] غیر جمعه و اعیاد». با این احتمال، از مفهوم عنوان کتاب چنین بر می‌آید که علاوه بر خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی(ع)، دیگر خطب امام علی(ع) نیز - که در شرایط زمانی و مکانی مختلف ایراد گردیدند - در کتاب زید نقل شده است و این یعنی قرار گرفتن حجم دیگری از خطب امام علی(ع) در کنار روایات اصلی کتاب زید. خصوصاً آن که بنابر تتبع صورت گرفته، مجموعه برجای مانده از خطب امام



علی(ع) در روزهای جمعه و عیدین، از هفده مورد تجاوز نکرده است. (ذبیحی فر و مهریزی، علوم حدیث، ۸۷/۵۶)

احتمال دیگری که برای مرجع ضمیر «هاء» وجود دارد، آن است که ضمیر به کلمه «خُطَب» برگردد که در این صورت معنای عنوان کتاب چنین می‌شود: «خطبه‌های امیر المومنین بر روی منبر... و [نیز] غیر خطبه‌ها.» بر این اساس، کتاب زید علاوه بر خطبه‌های جمعه و عیدین امام علی(ع)، حاوی دیگر کلمات امام علی(ع) نظیر نامه، وصیت و یا حتی حکمت‌های کوتاه نیز بوده است. لکن با توجه به قواعد پذیرفته شده ادبیات عرب - که مرجع ضمیر باید نزدیک‌ترین کلمه به ضمیر باشد (نک: عباس حسن، ۲۳۶/۱) - کلمه «الْجُمُع» نسبت به «خُطَب» صلاحیت بیشتری برای ارجاع ضمیر دارد.

### ۳- نتیجه‌گیری

۱. زید بن وهب جهانی یکی از معاریف اصحاب امام علی(ع) و از نخستین گردآورندگان سخنان ایشان بود که کتابی با نام «خطب امیر المومنین علی المنابر فی الجمع و الاعیاد و غیرها» تألیف کرد. این کتاب پس از شیخ طوسی (۴۶۰ هـ) مفقود گردید و نشانی از آن باقی نماند. با این همه قطعاتی از آن به صورت پراکنده در آثار و منابع متأخر باقی مانده است.

۲. زید بن وهب به عنوان یکی از بزرگان تابعان، در میان اهل سنت جایگاه والایی داشت و همگی بر وثاقت او اتفاق نظر داشته‌اند. او در میان شیعه نیز به عنوان چهره‌ای موجه شناخته می‌شود و غالباً بر حُسن حال وی تأکید شده است. با این همه، از سوی رجالیون شیعی توثیقی برای وی وارد نشده است.

۳. کتاب زید بن وهب به عنوان یکی از مواریث حدیثی شیعه از جهات گوناگون تاریخی، حدیثی و کتابشناختی حائز اهمیت است. این کتاب که با محتوا و درون مایه حوادث ایام خلافت امام علی(ع) به نگارش در آمده است، یکی از نخستین آثاری است که در باب خطب امام علی(ع) تدوین گردید و علاوه بر خطبه‌های حضرت در اعیاد اسلامی، اخبار و گزارش‌های مربوط به نبردهای جمل، صفین و نهروان را نیز در برداشته است.

#### ۴- كتابشناسي

۱. ابن ابى الحديد، عزالدين عبد الحميد، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ هـ
۲. ابن ابى خيثمه، احمد، التاريخ الكبير، تحقيق: صلاح بن فتحي هلال، قاهره، الفاروق الحديثه للطباعة والنشر، ۱۴۲۷ هـ.
۳. ابن ابى شيبه، عبد الله بن محمد، المصنف فى الأحاديث والآثار، رياض، مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ هـ.
۴. ابن بطريق، يحيى بن الحسن، عمدة عيون صحاح الاخبار، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ۱۴۰۷ هـ.
۵. ابن خلكان، احمد بن محمد، وفيات الأعيان، تحقيق: إحسان عباس، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۴ م.
۶. ابن داود، حسن بن على، الرجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ.
۷. ابن سائب، هشام بن محمد، نسب معد واليمن الكبير، [بى جا]، مكتبة النهضة العربية، ۱۴۰۸ هـ.
۸. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، [بى تا].
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن على، معالم العلماء، نجف اشرف، منشورات المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ هـ.
۱۰. ابن طاوس، سيدعلى، سعدالسعود للنفوس، تحقيق: فارس تبريزيان، قم، انتشارات دليل، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. ابن عساکر، على بن الحسن، تاريخ دمشق، تحقيق: عمرو بن غرامة، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۵ هـ.
۱۲. ابن ماجه، محمد بن يزيد، السنن، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار الفكر، [بى تا].
۱۳. ابن منقذ، أسامة بن مرشد، لباب الآداب، تحقيق: احمد محمد شاکر، قاهرة، مكتبة السنة، ۱۴۰۷ هـ.
۱۴. ابونعيم الاصبهاني، ابونعيم احمد بن عبد الله، حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۰۵ هـ.
۱۵. ثقفى، ابواسحاق ابراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق: سيد جلال الدين ارموى، تهران، انتشارات انجمن آثار ملي، ۱۳۵۳ ش.
۱۶. خليلي، ابويعلی خليل بن عبد الله، الإرشاد فى معرفة علماء الحديث، تحقيق: محمد سعيد، رياض، مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ هـ.
۱۷. امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ هـ.
۱۸. بخارى، محمد بن اسماعيل، الجامع الصحيح، تحقيق: مصطفى ديب، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۰۷ هـ.
۱۹. برقى، احمد بن محمد بن خالد، طبقات الرجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ.
۲۰. بزار، احمد بن عمرو، البحر الزخار، تحقيق: محفوظ الرحمن، بيروت، مكتبة العلوم، ۱۴۰۹ هـ.

۲۱. بستانی، محمود، *تاریخ الادب العربی فی ضوء المنهج الاسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۱۳ هـ.
۲۲. بلاذری، احمد بن یحیی، *جمل من أنساب الأشراف*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ.
۲۳. ترحینی، فایز، *أدب الخطابة فی صدر الاسلام*، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۰ م.
۲۴. ترمذی، محمد بن عیسی، *السنن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۲۵. جاحظ، عمرو بن بحر، *البيان والتبيين*، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۴۲۳ هـ.
۲۶. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران (از آغاز تا قرن هفتم هجری)*، چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پنجم، ۱۳۷۷ ش.
۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ هـ.
۲۸. حسن، عباس، *النحو الوافی*، القاهرة، دار المعارف بمصر، الثالثه، ۱۹۶۶ م.
۲۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *المتفق والمفترق*، دمشق، دار القادری للطباعة والنشر، ۱۴۱۷ هـ.
۳۰. همو، *تاریخ بغداد*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ هـ.
۳۱. خفاجی، محمد عبد المنعم، *دراسات فی الادب الجاهلی و الاسلامی*، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۲ هـ.
۳۲. خوبی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ هـ.
۳۳. ذهبی، محمد بن احمد، *تاریخ الإسلام*، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ.
۳۴. همو، *تذکره الحفاظ*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ هـ.
۳۵. همو، *سیر أعلام النبلاء*، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۲۷ هـ.
۳۶. سبحانی، جعفر، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ هـ.
۳۷. سمعانی، عبد الکریم بن محمد، *الانساب*، حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ هـ.
۳۸. سیدرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، تصحیح: دکتر صبحی صالح، قم، دار الهجرة، [بی تا].
۳۹. سیوطی، جلال الدین، *تدریب الراوی*، المدینة، المکتبة العلمیة، ۱۳۹۲ هـ.
۴۰. سجستانی، سلیمان بن اشعث، تحقیق محمد یحیی الدین، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۴۱. شعرانی، ابو الحسن، مقدمه شرح ملا صالح قزوینی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۰ هـ.
۴۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *التوحید*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۹۸ هـ.
۴۳. همو، *الخصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، دوم، ۱۴۰۳ هـ.
۴۴. صفدی، خلیل بن أبیک، *الوافی بالوفیات*، تحقیق: احمد الأرناؤوط، بیروت، دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ هـ.
۴۵. شوقی ضیف، *تاریخ الادب العربی*، قاهره، دار المعارف، الخامسة عشره، [بی تا].

۴۶. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ هـ.
۴۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ هـ.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن، الرجال، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۵ هـ.
۴۹. همو، فهرست، نجف، المكتبة المرتضویه، [بی تا].
۵۰. همو، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۵۱. همو، مصباح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ هـ.
۵۲. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، الإصابة فی تمييز الصحابة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ هـ.
۵۳. همو، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ هـ.
۵۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ هـ.
۵۵. فاکهی، محمد بن اسحاق، أخبار مكة، تحقیق: عبد الملک عبد الله، بیروت، دارخضر، ۱۴۱۴ هـ.
۵۶. فسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفة و التاريخ، تحقیق: أكرم العُمري، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ هـ.
۵۷. قشیری، مسلم بن الحجاج، الجامع الصحیح، بیروت، دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۵۸. کنتوری، سید اعجاز حسین، كشف الحجب و الاستار، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۹ هـ.
۵۹. مامقانی، عبد الله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۲۳ هـ.
۶۰. مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ ش.
۶۱. مرتضی عاملی، سید جعفر، المواسم و المراسم، بیروت، مرکز الاسلامی للدراسات، الثانيه، ۱۴۳۰ هـ.
۶۲. مزی، یوسف بن الزکی، تهذیب الکمال، تحقیق: بشار عواد، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ هـ.
۶۳. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۳ هـ.
۶۴. نسایی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، تحقیق: عبد الغفار سلیمان البنداری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ هـ.
۶۵. نمازی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، اصفهان، ابن المؤلف، ۱۴۱۲ هـ.
۶۶. الواعی، توفیق، الخطابة و اعداد الخطیب، المنصوره، دار الیقین، الثانيه، ۱۴۱۷ هـ.
۶۷. ذبیحی فر، حجت و مهدی مهریزی، «پژوهشی درباره خطبه های جمعه و عیدین امام علی (ع)»، علوم حدیث، تابستان ۸۹، شماره ۵۶.

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی

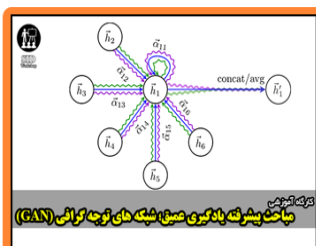


عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی